

جناب ابوالقاسم فیضی بخش مهمی از حیات پر بار خود را صرف تعلیم و تربیت روحانی و اخلاقی نونهالان و نوجوانان بهائی کرد. امریکای لاتین از مناطقی بود که به قدوم آن ایادی عزیز امر الهی مفتخر و متباهی شد و مورد عنایت خاص حضرتش بود. سخنان آقای دکتر محمود سمندری در باره خدمات تربیتی بهائیان در امریکای لاتین فی الحقیقه به طور ضمنی تجلیی از مرئیان ارجمند بهائی نظیر جناب فیضی است. انجمن ادب و هنر

## تأثیر امر بهائی در تعلیم و تربیت تجربه‌ای در امریکای لاتین

محمود سمندری

بیت العدل اعظم الهی در پیام مورخ ۲۴ اکتبر ۱۹۸۳ می‌فرماید طرح‌ها و برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی تجلی و جلوه برونی ایمان در عمل می‌باشند (مضمون). در صحبت امروز یکی از اقدامات جامعه جهانی بهائی در مورد امر تعلیم و تربیت را از این دیدگاه بررسی خواهیم کرد. جمال قدم در لوحی می‌فرماید:

«انسان طلسم اعظم است و لکن عدم تربیت او را از آنچه با اوست محروم نموده. به یک کلمه خلق فرمود و به کلمه آخری به مقام تعلیم هدایت نمود و به کلمه دیگر مراتب و مقاماتش را حفظ فرمود. حضرت موجود می‌فرماید: انسان را به مثابه معدن که دارای احجار کریمه است مشاهده نما. به تربیت جواهر آن به عرصه شهود آید و عالم انسانی از آن منتفع گردد. انتهی.»<sup>۱</sup>

در مقامی دیگر حضرت عبدالبهاء بنیان ادیان و مؤسّسین مذاهب را مرئیان روحانی بشریت نامیده‌اند و مقصد و هدفشان را تربیت الهی و روحانی ابناء انسان. علی هذا امر تربیت یکی از

مهم‌ترین و اساسی‌ترین مبانی پیام مظاهر امر الهی می‌باشد. حال اگر مؤسس دیانت ما خود یک معلم و مربی بوده و مقصدش تربیت عالم انسانی، یکی از وظائف اولیّه ما پیروان آن حضرت توجّه به امر تعلیم و تربیت می‌باشد.

بالاخره حضرت ولیّ امرالله کلمه "مبلّغ" را در انگلیسی به teacher ترجمه فرموده‌اند که حاکی از این است که در نفس عمل تبلیغ، فرد بهائی به نمایندگی از مربی الهی به تربیت و تدریس افراد بشر می‌پردازد.

از طرف دیگر حضرت بهاءالله در کتاب مستطاب ایقان می‌فرمایند: «... مقصود از هر ظهور ظهور تغییر و تبدیل است در ارکان عالم سرّاً و جهراً، ظاهراً و باطناً چه اگر به هیچ وجه امورات ارض تغییر نیابد ظهور مظاهر کلیّه لغو خواهد بود.»<sup>۲</sup>

پس تقلیب افراد و جامعه یکی از اهداف و وظائف اهل بها است و این امر ممکن نیست الا از طریق تبلیغ و تعلیم و تربیت. این وظیفه تعلیم و تربیت به درجات مختلف بر دوش اعضاء مختلفه جامعه نهاده شده. در وهله اول والدین اولین مسؤولین تربیت فرزندان می‌باشند. جامعه نیز به نوبه خود مسؤول کمک و تکمیل تربیتی است که اطفال و نوجوانان در خانه کسب می‌کنند. تأسیس مدارس به منظور اجرای این وظیفه جوامع است.

در صحبت مختصر امروز توجّه خود را به فعالیت‌های جامعه بهائی در زمینه تأسیس مدارس و یا آماده کردن برنامه‌های تدریسی به طرز مستقیم و یا غیر مستقیم معطوف خواهیم نمود. از بدو استقرار جامعه بهائی در مهد امرالله، فعالیت‌های آموزشی در خطه ایران آغاز شد که شرح و توضیح آن از بحث ما خارج است. کافی است متذکّر شویم که جامعه بهائی به فرمان جمال اقدس ابهی و در تحت هدایت حضرت مولی الوری مبتکر تأسیس مدارس متعدّده در آن اقلیم شدند به طوری که نظام مدرن مدارس در ایران به طور عمده توسط بهائیان و در اثر خدمات آنان به وجود آمد.

حدود ۲۵ سال پیش قونسولگری ایران در ژنو از برخی از ایرانیان آن شهر دعوت کرد که به مناسبت عید نوروز به دفتر قونسولگری بروند. از جمله حضار آقای جمالزاده بود که چون صحبت از پیشرفت‌های مملکت شد، به خصوص در رابطه با مدارس، خاطره ذیل را برای ما نقل کرد. او گفت: بچه بودم. روزی در یک میدان شهر نجف آباد دیدم مردم جمع شده‌اند. وقتی نزدیک شدم دیدم دو نفر را زنجیر کرده‌اند در وسط میدان و در یک گوشه میدان کسی ایستاده و از یک بشکه نفت کاسه کاسه به مردم نفت می‌فروشد. مردم هم نفت را برده به روی آن دو بی‌چاره می‌ریختند. پرسیدم جریان چیست. گفتند این دو نفر بایی هستند و در منزلشان کتاب انگلیسی پیدا کرده‌اند و معلوم شده که تدریس زبان خارجی می‌کنند. حالا قرار شده که آنها را آتش بزنیم و مؤمنان برای ثواب و پاداش روحانی نفت می‌خرند و به سر آنها می‌ریزند تا شریک سوزاندنشان باشند.

نتیجه‌گیری جمال‌زاده این بود که بایان (البته در حقیقت بهائیان) پیش‌آهنگ امور تربیتی مدرن و تدریس زبان‌های خارجی در ایران بوده‌اند.

مقالات متعددی در مورد این مدارس نوشته شده که تاریخچه هر یک از آن مدارس را شامل می‌باشند. به خصوص باید به خاطر آورد که حضرت عبدالبهاء چندین نفر از احبای غرب را مأمور فرمودند که به ایران بروند و بهائیان آن سامان را در تأسیس و اداره مدارس کمک کنند. همین فعالیت‌ها باعث شد که در اواسط قرن بیستم، در حالی که جامعه غیر بهائی ایران هنوز در صد قابل توجهی از بی‌سوادی داشت، جامعه چند صد هزار نفری بهائی به کلی خالی از بی‌سوادی بود. خدمات جناب فیضی که این دوره ادب و هنر به یادشان برگذار می‌شود در این زمینه فراموش‌نشده و تاریخی می‌باشد.

### تجربیات جامعه بهائی در امریکای لاتین

قبل از هر چیز باید یادآور شد که تعداد قابل توجهی از مهاجرین اولیه در این قاره برای امرار معاش به تدریس زبان انگلیسی پرداختند و به این ترتیب به یکی از تعالیم مبارکه که تدریس السن مختلفه باشد عامل شدند. مثلاً خانم لئونورا آرمسترانگ، مادر روحانی امریکای جنوبی و اولین مهاجری که اطاعتاً لامر مولاها و در اثر زیارت فرامین تبلیغی حضرت مولی‌الوری در سال ۱۹۱۹ عازم برزیل شد، در آن مملکت به تدریس زبان انگلیسی پرداخت.

البته ذکر کلیه طرح‌های تعلیم و تربیتی بهائی در امریکای لاتین از حوصله برنامه امروز کاملاً خارج است. علی‌هذا به اشاره‌ای اجمالی به فعالیت‌های کشور اکوادور اکتفا خواهیم کرد. علاوه بر آن، چون دو طرح دیگر آموزشی، یکی در کلمبیا و دیگری در بولیویا، در اکوادور هم اجرا شده‌اند ذکر نیز از آن دو خواهیم نمود.

### اکوادور

۱- امر جمال رحمن حدود ۵۰ سال پیش به اکوادور رسید و دهه ۴۰ و ۵۰ به تبلیغ فردی گذشت به طوری که رشد جامعه بهائی در آن سال‌ها سریع نبود. در دهه ۶۰ تبلیغ دسته‌جمعی در چند مملکت امریکای جنوبی از جمله اکوادور شروع شد. در این مملکت مشاور قاره‌ای جناب رائل پاون (Raul Pavan)، والدینشان و خواهرانشان به تبلیغ گروه‌های متعددی، به خصوص در ناحیه بومی‌نشین اتاوالو (Otavalo) موفق شدند به طوری که هزارها نفر وارد امر شدند. جناب پاون و اعضاء خانواده‌شان و دیگر دوستان برنامه‌هایی برای تزئید معلومات آن تازه‌تصدیقان تهیه کردند از جمله برنامه‌های سوادآموزی، چرا که به این نتیجه رسیدند که اگر افراد سواد بیاموزند خواهند توانست خودشان با مطالعه کتب و الواح کسب فیض کرده تعالیم امری را درک کنند.

در این مدت از رادیوهای محلی برای اشاعه برنامه‌های تربیتی استفاده می‌شد تا آنکه در سال ۱۹۷۷ اولین ایستگاه فرستنده رادیوی بهائی در دنیا در همان شهر اتاوالو افتتاح گردید و تعالیم الهی از طریق امواج به طور تمام وقت به عامه افراد ابلاغ شد. به این مناسبت، برنامه سوادآموزی چه از طریق تماس مستقیم و چه غیر مستقیم از طریق رادیو یکی از اولین اقدامات تربیتی جامعه بهائی اکوآدر بود.

۲- در اواسط دهه ۷۰ در شهر و ایالت اسمرالداس (Esmeraldas) که اکثر ساکنینش از نژاد سیاه‌پوست هستند، تبلیغ دسته‌جمعی باعث شد که تعداد زیادی مصدق داشته باشیم و برای تزئید معلومات آنها یک "انستیتو" در نزدیکی شهر اسمرالداس ساخته شد. علاوه بر مدارس تابستانه، جلسات متعدّد دیگری به خصوص برای جوانان در این مرکز برپا می‌شوند و در چندین مورد با همکاری مؤسسات غیر بهائی سمینارهایی در مورد مطالب مختلفه از قبیل حفظ محیط زیست و غیره ترتیب داده شده‌اند.

چندی پیش یک گروه از اطّابای بهائی از ایالات متّحده به آن شهر سفر کردند تا با مسؤولین کشوری ملاقات کرده پیشنهادهایی برای بهبود وضع بهداشت در آن ناحیه بدهند. چندین جلسه مشورت با احباء و محافل محلی باعث شد که طرحی آماده شود برای یک برنامه آموزشی در مورد مرض سل که یکی از بیماری‌های بسیار رایج در تمام اکوآدر است. این طرح با همکاری داوطلبان بهائی در دست اجراست.

۳- در اوائل دهه ۸۰ یکی از مهاجرین ساکن اتاوالو مدرسه‌ای خصوصی تأسیس کرد و پس از چند سال آن مدرسه ابتدائی را به یادبود مشاور فوق الذّکر "رائول پاون" نام نهاد و آن را به محفل ملی اکوآدر واگذار کرد. به تدریج مدرسه به مقام یکی از بهترین مدارس استان خود رسید و توانست شاگردانی از سه نژاد سفید، بومی هندی و مخلوط به خود جلب کند تا حدّی که در سال ۱۹۹۱ وقتی سفیر جامعه مشترک اروپا به دیدن مدرسه رفت عکس العملش این بود: «شدیداً تحت تأثیر نظم و نظافت و حسن اختلاط نژادی شاگردان مدرسه قرار گرفتم.»

در سال ۱۹۹۶ مدرسه موفق شد که با همکاری بنیاد وحدت در لوکزامبورگ مبلغ ۱۴۰۰۰۰ دلار از جامعه مشترک اروپا برای بنای یک ساختمان جدید دریافت کند. این ساختمان در ماه ژانویه ۱۹۹۸ به پایان رسید و در حال حاضر بیش از ۲۰۰ شاگرد از کودکستان تا سال ششم ابتدائی در مدرسه تحصیل می‌کنند.

مدرسه رائول پاون تنها مؤسسه آموزشی در اکوآدر است که از وزارت فرهنگ (آموزش و پرورش) اجازه کتبی دریافت کرده که در ایام متبرّکه دیانت خویش مدرسه را تعطیل کند. اولیاء امور توجه و لطف خاصی به این مدرسه دارند به خصوص که حدود ۱۵٪ از محصلین آن بومیان فقیری هستند که به طور مجّانی تحصیل می‌کنند. یک بنیاد تربیتی و فرهنگی بهائی در اکوآدر ترتیب

پرداخت مخارج این محصلین را می‌دهد به طوری که به بودجه حساس و ضعیف مدرسه فشاری وارد نشود.

مدرسه رائل پاون برنامه رسمی دولتی را اجراء می‌کند ولی علاوه بر آن کلاس‌های "درس اخلاق" برای محصلین دارد که در طی آن در مورد ادیان مختلفه، شرح حیات پیامبران و تعالیم آنها صحبت می‌شود و مبانی اخلاقی به طور اعمّ تدریس می‌گردد. خیلی از والدین اهمّیت زیادی به این قسمت از برنامه مدرسه می‌دهند. به علاوه، برنامه تدریس زبان انگلیسی و موسیقی و هنر نیز این مدرسه را از همگانش ممتاز می‌سازد.

چند ماه پیش موفق شدیم از وزارت فرهنگ اجازه‌ای کسب کنیم که عنوان "مؤسسه آزمایشی" به مدرسه بدهند تا بتوانیم مواد تازه‌تری در برنامه بگنجانیم. این طرح در همکاری با FUNDAEC اجراء خواهد شد که بعداً اشاره‌ای بدان خواهیم کرد.

۴- در سال ۱۹۹۵ در شهر بندری گویاکیل (Guayaquil) محفل محلی تصمیم به تأسیس یک کودکان گرفت و تمام جامعه محلّ از هر جهت چه مالی و چه کاری کمک کردند تا این طرح به مرحله عمل برسد. در حال حاضر مدرسه به کلاس اول رسیده و هدف این است که هر سال با رشد محصلین یک سال به برنامه درسی اضافه کنند.

۵- روابط جامعه بهائی با مسئولین آموزشی کشوری و همکاری با آنها مطلبی است که درخور ذکر می‌باشد. در سال ۱۹۹۲ دولت وقت پروژه‌ای به نام "مشورت ملی برای تعلیم و تربیت در قرن بیست و یکم" اعلان کرد. جامعه بهائی در این پروژه شرکت کرد و بیانیه‌ای تهیه دید به نام "مبانی تربیت بهائی" و آن را در بین شرکت‌کنندگان "مشورت ملی" توزیع کرد. در ضمن از فرصت استفاده شد و برای ارائه بیانیه فوق و ابلاغ امر به طور شخصی با مدیران مدارس و دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها تماس برقرار شد.

در سال ۱۹۹۳ دولت اکوآدر یک لایحه قانونی برای تصویب مجلس تقدیم نمود که بر مبنای آن دو ساعت درس دینی در هفته را در مدارس اجباری می‌ساخت. طبیعتاً گروه‌های ضدّ مذهبی بر ضدّ این لایحه به پا خاستند و مبارزه به مرحله‌ای رسید که صلح و آرامش اجتماعی مختل گردید. جامعه بهائی در این موقعیت بیانیه دیگری صادر نمود و در آن رابطه بین ارزش‌های اخلاقی و ادیان را تشریح کرد و این بیانیه را در دو هزار نسخه بین سیاستمداران و دیگر مسئولین امور توزیع نمود.

علاوه بر آن، به منظور بالا بردن سطح بحث و گفتگو در این زمینه ترجمه اسپانیولی جزوه‌ای به نام "پژوهشی برای یک چهارچوب تربیت اخلاقی" را در سال ۱۹۹۴ در ده هزار نسخه چاپ و در دسترس افراد علاقه‌مند گذاشت تا همه بتوانند رابطه تربیت اخلاقی را با احتیاجات روز درک کنند و اهمّیت تعلیم ارزش‌های اخلاقی را دریابند. لازم به تذکر است که بنیاد بهمین سمندری ترجمه فرانسه این جزوه را در سال ۱۹۹۶ به چاپ رسانده است که در دسترس دوستان می‌باشد.

در حین پخش این جزوه متوجه شدیم که بیانیه سال ۱۹۹۲، برای طرح برنامه درسی جدیدی که دولت برای مدارس تهیه کرده بود مورد استفاده قرار گرفته و حتی اصطلاحات امری هم در آن به کار برده شده است.

متأسفانه از آن تاریخ تا به حال در اکوآدر چهار دولت متتابع داشته‌ایم و سیاست فرهنگی و آموزشی مکرراً عوض شده و در نتیجه همکاری نزدیک با مسؤولین امور ممکن نبوده. امید چنان است که دولت جدیدی که ده روز پیش مستقر شده و رئیس جمهورش کاملاً با امر و تعالیم آن آشناست موقعیت آن را داشته باشد که از مبانی امری در برنامه جدید آموزشی کشور استفاده نماید. ۶- جامعه بهائی اکوآدر برای کمک به توسعه و پیشرفت امر تعلیم و تربیت در آن مملکت از تجربیات مؤسسه FUNDAEC که ذکرش گذشت استفاده نموده. بجاست که چند کلمه‌ای در مورد این مؤسسه ذکر شود.

FUNDAEC در سال ۱۹۷۴ توسط چند متخصص در امور تربیتی و اجتماعی، از جمله جناب فرزام ارباب تأسیس شد با این هدف که روش‌های جدیدی برای حل مشکل توسعه دهات و نقاط روستائی پیدا کند. قدم اولشان این بود که مفهوم آسایش و رفاه را برای نقاط روستائی معین کنند. به این منظور از خود ساکنین آن نقاط دعوت کردند که در جلسات مشورتی حاضر شوند و خودشان در تعیین آن مفاهیم شرکت کنند. نتیجه این فعالیت‌ها تأسیس "دانشگاه روستائی" بود که مؤسسه‌ای است برای پژوهش و تعمیم دانش برای بهبود زندگانی روستائیان.

پس از تأسیس این دانشگاه و مشورت با افراد مربوطه تصمیم گرفته شد که به مطالب ذیل ارجحیت داده شود:

- پژوهش سیستم‌های بدیع تولیدی برای احتیاجات آن ناحیه.
- استفاده از امر مشورت برای تصمیم‌گیری در امور دهات.
- ترتیب برنامه کلاس‌ها به نحوی که محصلینی که در مزارع کار می‌کنند مجبور نشوند که کار در مزرعه را رها کنند.

- تعیین دسته‌جمعی محتوای دروسی که برای توسعه دهات لازم می‌باشند. به موقع اجراء نهادن سیستم فوق باعث شد که ساکنین دهات اول در پژوهش و تعیین دانش لازم برای احتیاجات خودشان شرکت کنند و بعد این دانش را به دیگران انتقال بدهند.

در حال حاضر FUNDAEC ۸۰ کتاب درسی به چاپ رسانده که محتوای آنها به ترتیبی که ذکر شد تعیین شده است. از طرف دیگر اصرار به اینکه هدف از تحصیل علوم، خدمت به بشریت است و بهبودی زندگی جامعه و اینکه ساعات درسی مطابق با احتیاجات دانشجویان معین می‌گردد باعث شده که ۳۰۰۰۰ محصل در نقاط روستائی داشته باشند. در عرض این مدت دانشگاه ۲۰۰۰ مربی تعلیم داده که به نوبه خود در دهات افراد دیگر را تربیت می‌کنند. ۴۰ مؤسسه دولتی و غیر دولتی پروژه‌های

متعدد در همکاری با دانشگاه اجراء کرده‌اند. دو استان کلمبیا برنامه‌های دانشگاه را به عنوان برنامه رسمی خود اتخاذ کرده‌اند و از محل بودجه خود خرج قسمتی از فعالیت‌های دانشگاه را می‌پردازند. در اکوادور مشغول این هستیم که برنامه دانشگاه را رسماً به تصویب دولت برسانیم و قبل از آن به صورت آزمایشی یک یا دو پروژه برای شروع در عرض سال ۱۹۹۸ یا ۱۹۹۹ آماده شده‌اند.

۷- آخرین اقدام که به طور رسمی از طرف جامعه بهائی نیست شروع یک برنامه ۱۸ ماهه است از طرف دانشگاه نور. بر طبق این برنامه، دانشگاه نور در عرض ۱۸ ماه ۱۰۰۰ مربی تربیت خواهد کرد که آنها نیز به نوبه خود معلمین را تربیت خواهند کرد. این برنامه در ماه چهارم اجراء است و به طور کلی موفقیت آمیز بوده. دانشگاه نور این برنامه را به عنوان یک برنامه بهائی معرفی نکرده علی‌رغم اینکه فلسفه و محتوای برنامه کاملاً مقتبس از آثار و الواح می‌باشد.

در عرض چند ماه اخیر امکانی پیش آمده که تعداد افرادی را که می‌توانند از این برنامه بهره‌مند شوند از ۱۰۰۰ به حدود ۴۰۰۰۰ برسانند.

### سخنی چند در مورد دانشگاه نور

این دانشگاه در سال ۱۹۸۲ در روز اظهار امر حضرت اعلی تأسیس شد. هدف بانیان آن تنظیم و تعمیم یک سیستم آموزشی است که قوای مخزونه در استعدادات انسان‌ها را به طوری به منصه ظهور درآورد که بتوانند به بشریت خدمت کرده باعث توسعه و پیشرفت جامع و فراگیر جوامع بشری شوند. حضرت عبدالبهاء فرموده‌اند که دانشگاه‌ها و مؤسسات تربیتی دنیا باید سه اصل اساسی را در نظر داشته باشند (مضمون بیان مبارک):

اول - پیشبرد امر تعلیم و تربیت، کشف اسرار طبیعت، اتساع دایره علوم، انهدام اساس نادانی و جهالت و یک سیستم آموزشی جهانی.

دوم - توجه به اخلاقیات و اعتلاء ارزش‌های معنوی دانشجویان و تدریس مواسات و کسب فضائل اخلاقی.

سوم - اشاعه اصل وحدت بشر به طرزی که هر محصل خود را برادر کلیه اعضا بشریت داند، بدون تعصب دینی و یا نژادی - ایده صلح عمومی باید به طوری در فکر محصلین جایگزین شود که تبدیل به جنود صلح شوند.<sup>۳</sup>

دانشگاه نور این تعالیم و مبانی را هدف و فلسفه اصلی خویش ساخت و به فعالیت آغاز کرد. کسب اجازه لازم از وزارت فرهنگ و دیگر تشریفات لازم باعث شد که اولین گروه محصلین در سال ۱۹۸۵ آغاز به تحصیل بکنند. در عرض ۱۳ سال اخیر تعداد دانشجویان از ۹۷ به ۳۷۵۰ رسیده که باید تعداد ۲۰۰۰ دانشجوی دیگر را که در خارج از دانشگاه تحصیل می‌کنند به آن اضافه کرد. ۴۴٪ از محصلین دختران می‌باشند و ۵۶٪ پسران.

آنچه که دانشگاه نور را از سایر دانشگاه‌ها ممتاز می‌سازد جنبه آکادمیک و علمی نیست بلکه طرح‌ها و برنامه‌هایی است که برای کمک به پیشرفت و توسعه روستائی اجرا کرده‌اند. مثلاً نور، در همکاری با مؤسسه عالی آموزش روستائی "که یک مؤسسه دولتی است پروژه‌ای اجرا کرد برای تربیت معلمین در کمک به توسعه جوامع روستائی: بین سال‌های ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶، ۴۰۰ مربی برای این برنامه تربیت شدند.

در اثر موفقیت این طرح اولیه، در حال حاضر ۱۵۰ مربی دیگر در حال گذراندن همان کلاس‌ها هستند و به زودی ۹۵۰ مربی دیگر کلاس‌های دوساله‌شان را شروع خواهند کرد. حتی در مملکت همسایه آرژانتین شهرت این برنامه باعث شده که دولت ۳۰۰ معلم را در ۶ ناحیه مختلف به آن کلاس‌ها بفرستد. همین برنامه است که در حال حاضر برای ۱۰۰۰ مربی در اکوادور اجرا می‌شود. اصل موفقیت در آن است که "نور" این افراد را آماده می‌کند برای خدمت به بشریت، برای بهبود وضع جوامع خودشان، برای بهتر کردن روابط اجتماعی و استفاده بیشتر از ابزار مشورت و نه برای مال‌اندوزی و تسلط‌طلبی و تکبر و تفاخر.

برنامه دیگری کارمندان شهرداری را برای تنظیم و اجراء طرح‌های مختلف آماده می‌سازد و در عین حال آنها را با اصول اخلاقی و ارزش‌های معنوی آشنا می‌کند.

به طور خلاصه می‌توان گفت جامعه بهائی موفق شده که از طریق مؤسسات آموزشی که در امریکای لاتین به وجود آمده‌اند افکار و اصول و مبانی اساسی دیانت بهائی را در عمل اجرا کند چرا که واقف است که ما ابزار و عاملین تقلیب روحانی و تغییر احساسات، رفتار و کردار همگان خود هستیم.

همان طور که در اول این سخن زیارت کردیم: «... اگر به هیچ وجه امورات ارض تغییر نیابد ظهور مظاهر کلیه لغو خواهد بود.» در اثر فعالیت‌های جوامع و مؤسسات مختلفه چهارچوب فکری، ذهنی، علمی و عملی این تقلیب موجود و حاضر است. حال وظیفه ماست که آنچه را آموخته‌ایم در اسرع وقت و به بهترین نحو به حد اکثر افراد ممکن برسانیم تا بتوانیم اثری دائم و قاطع بر سیر تاریخ بشریت بگذاریم.

## یادداشت‌ها

۱- حضرت بهاء‌الله، منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله (لانگنهاین: لجنه نشر آثار امری به لسان فارسی و عربی، ۱۴۱ ب)، ص ۱۶۷ (شماره ۱۲۲).

۲- حضرت بهاء‌الله، کتاب مستطاب ایقان (مصر: فرج‌الله زکی الکردی، ۱۳۵۲ ه.ق)، ص ۱۸۷.

۳- نجم باختر، جلد نهم، شماره ۹، ۲۰ اوت ۱۹۱۸ م.